

فصلنامه علمی تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۴۲، تابستان ۱۳۹۹، ویژه علوم اجتماعی

بررسی جامعه شناختی پیامدهای فریبهی مناسک مذهبی

(با تأکید بر مناسک عاشورایی)

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۳۰

تاریخ تأیید: ۹۹/۰۴/۲۰

ابوالفضل رباطی*

چکیده

هدف: در دودهمه اخیر به صورت بی سابقه‌ای شاهد رشد کمی و کیفی مناسک مذهبی در کشورمان بوده‌ایم، دست اندرکاران امور مناسک مذهبی و اغلب متشرعان و فعالین در حوزه امر دین برداشتی مثبت از فریبهی مناسک داشته و این فریبهی را زمینه‌ساز نشر معارف دینی، استحکام بخش اعتقادات دینی، مظهر اقتدار تشیع و انسجام‌دهنده جامعه تلقی می‌کنند، در حالی که به نظرمی رسد پیامدهای این فریبهی منحصر در پیامدهای مثبت نیست. این تحقیق با هدف پی بردن به پیامدهای فریبه شدن مناسک و آیین‌های مذهبی به عنوان پاسخ به سوال اصلی و عوامل و زمینه‌های فریبه شدن مناسک به عنوان پاسخ به سوال فرعی طرح ریزی شده است. روش: این مقاله با بهره‌گیری از روش پدیدارشناسی و با بهره‌گیری از فنون مصاحبه نیمه ساختاریافته با نمونه‌ای هدفمند از ۱۳ نفر از اساتید حوزه علمیه و دانشگاه و دست اندرکاران امور مناسک مذهبی براساس معیار اشباع نظری، انجام گرفته است. مهمترین نتایج: نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که اکثر مشارکت کنندگان مناسک مذهبی را فریبه شده (به معنای خروج از حد تعادل و آسیب زا بودن) می‌پندارند و پیامدهای فریبه شدن مناسک مذهبی نه تنها منحصر در پیامدهای مثبت (انسجام اجتماعی، تجدید حیات اجتماعی، افزایش حساسیت مومنانه) نیست بلکه حتی پیامدهای منفی آن (گسست اجتماعی، ابزاری شدن مناسک، مداح محوری، تضعیف گفتمان عقلانیت، برهم خوردن توازن ابعاد و مولفه‌های دین‌داری، تضعیف اصل مناسک، کارناوالی شدن مناسک) به لحاظ فراوانی از پیامدهای مثبت پیشی گرفته است. در بخش پاسخ به سوال فرعی نیز علل و زمینه‌های فریبه شدن مناسک در سه زمینه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تبیین گردیده است.

واژه‌های کلیدی: مناسک، فریبهی، پیامدها، پدیدارشناسی، علل و زمینه‌ها.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع).

مقدمه

آیین‌ها و مناسک مربوط به هر مذهب، برآمده از باورها، نیازها و گرایش‌های دینی قشرهای گوناگون وابسته به آن مذهب است که به صورت آیین‌ها، نمادها، جشن‌ها و عزاداری‌ها بروز می‌یابد. اعمالی که معمولاً در قالب مراسم و آیینی خاص، در ایام ویژه‌ای به طور منظم و همگانی تکرار می‌گردند و مناسک یا آیین عبادی نامیده می‌شوند، مردم نگاران و جامعه‌شناسان آن‌ها را غالباً مجرای اصلی تجربه دینی و بروز پیامدهای حیات دینی برای پیروان آن مذهب می‌دانند. دورکیم، مناسک را برای زندگی اخلاقی همان قدر ضروری می‌بیند که آب و غذا برای رشد و ثبات بدن ضرورت دارد به این جهت که؛ بقا و ماندگاری هر عنصری در نظام فرهنگی، بستگی به کارکردهایی دارد که برای نظام اجتماعی به ارمغان می‌آورد. براین اساس بررسی پیامدهای مناسک مذهبی خصوصاً مراسم عاشورا که سبب ماندگاری و اثربخشی آن در نظام فرهنگی کشور ما شده است، در شرایط موجود جامعه ما امری ضروری به نظر می‌رسد چرا که این پدیده در طول سالیان متمادی یکی از مهمترین عناصر پایدار فرهنگ و حیات اجتماعی کشور ما بوده است، در یک دو اخیر با وجود کم‌رنگ شدن ظواهر دینی و محجور ماندن بسیاری از اعمال دینی در بین مردم، ما شاهد رشد و بروز چشمگیر مناسک مذهبی و استقبال بی نظیر مردم از این مناسک بوده‌ایم. و بسیار مشاهده شده که مردم پشت در مسجد منتظر مانده تا نماز جماعت به اتمام رسیده و در مراسم عزاداری شرکت نمایند، پرداخت خمس و زکات و انفاق را کم اهمیت شمرده اما بار هزینه‌های مجالس عزاداری سید و سالار شهیدان را با افتخار بر دوش می‌کشند و یا با وجود بی‌اعتنایی به تکالیف شرعی و مناسک دینی خود را ملزم به حضور در مناسک مذهبی می‌دانسته‌اند و شرکت در مراسم عاشورا را موجب نجات و شفاعت و نشانه مسلمانان خود همچنین آزمایش دین‌داری خود و دیگران پنداشته‌اند. بلکه،

بسیاری از متشرعان و کسانی که دغدغه دینداری و تدین مردم را دارند، به این مناسک به عنوان انسجام دهنده جامعه و زمینه ساز و ظرف تبلیغ معارف دین، استحکام بخش اعتقادات و باورهای دینی شرکت کنندگان در این مناسک و نشانه اقتدار تشیع می‌نگرند. اما به نظر می‌رسد پیامدهای رشد چشمگیر این مناسک، منحصر در این پیامدها نیست. بلکه پیامدهای دیگری را نیز به دنبال دارد که علاوه بر سایر ابعاد و مولفه‌های دین حتی مناسک مذهبی را نیز تهدید می‌کند، و بدیهی است که غفلت از آنها، ضرر و خسارت جبران ناپذیری را بر پیکره مذهب و جامعه وارد می‌سازد.



پیشینه مطالعاتی

حسام مظاهری محسن (۱۳۹۷) کتاب تراژدی جهان اسلام، گیویان عبدالله (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان محبت وهویت درآینه ی نمایش جهانی اربعین، خجسته‌باقرزاده (۱۳۹۵) در پژوهشی باعنوان هیئت رزمندگان اسلام ازتاسیس تا پایان دوه اصلاحات، مشهدی نوش آبادی محمد (۱۳۹۶) در کتاب تصوف ایرانی و عزاداری عاشورا، شامحمدی رستم و پاسالاری بهجانی فاطمه (۱۳۹۴) در پژوهش و تبیینی پیرامون دیدگاه کلیفورد گیرتز درباره مناسک دینی، رحمانی جبار (۱۳۹۲) پژوهشی باعنوان مناسک عزاداری و وجدان جمعی درتشیع ایرانی، رودنبولر ترجمه‌ی گیویان و حقیقی (۱۳۹۰)، جمشیدی‌ها غلامرضا و قبادی علیرضا (۱۳۸۶) در مقاله تحلیل جامعه‌شناختی از مراسم عاشورا، حسام مظاهری محسن (۱۳۸۹) نویسنده در کتابی تحت عنوان رسانه شیعه، رحمانی جبار (۱۳۹۷) در کتاب هیئت‌های عزاداری درجامعه ایران، تورفیل دیوید (David Thurfjell) (۲۰۰۶) در پژوهشی باعنوان زیست شیعی، به بررسی ماهیت مناسک مذهبی، منشا و تغییرات آن درطول زمان وحتىی برخی از کارکردهای آن درجامعه ایران پرداخته‌اند اما مقاله حاضر در پی آن است که با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی به درکی جامع از این پدیده و پیامدهای آشکار و پنهان آن دست یابد.

روش

رویکرد پژوهشی دراین پژوهش پدیدارشناسی است. پدیدارشناسی در لغت به معنای شناخت پدیدارها. و در اصطلاح؛ مطالعه پدیده‌ها از هر نوع و توصیف آن‌ها با در نظر گرفتن نحوه بروز تجلی آن‌ها قبل از هرگونه ارزش گذاری، تاویل و یا قضاوت ارزشی می‌باشد. روش پدیدارشناسی یکی از روش‌های تحقق کیفی می‌باشد که با استفاده از ابزارهایی نظیر مصاحبه عمیق، بحث‌های گروهی، مشاهده مشارکتی و تحلیل داده‌های حاصل از

این فرایندها از منظر فرد مورد مطالعه (رهیافتِ امیک: emic) و دیدگاه محقق (رهیافتِ اتیک: etic)، سعی بر آن دارد که به شناخت از پدیده از طریق پی بردن به درک افراد از آن پدیده ارج نهد. هدف پدیدارشناسی، توصیف تجربیات زندگی به همان صورتی است که در زندگی واقع شده‌اند. به عبارتی دیگر تلاش پدیدارشناسی توصیف تجربیات انسان در متن و زمینه‌ای است که در آن روی می‌دهند، لذا پیش از فهم الگوی رفتار بایستی پدیده مورد نظر و این که انسان‌ها چه احساسی از آن دارند و چگونه آن را درک و تفسیر می‌نمایند را شناخت و توصیف کرد. این روش برخلاف سایر روش‌های کیفی دربردارنده مجموعه‌ای از روش‌های تفسیری است که به دنبال توصیف، رمزگشایی و تجربه است. پدیدارشناسی به دنبال کشف روابط علی معلولی نیست، بنابراین غالباً از مشارکت کنندگان دوسوال گسترده و عمومی پرسیده می‌شود: ۱- درمورد پدیده مورد نظر چه تجربه‌ای دارید؟ ۲- چه زمینه یا وضعیتی نوعاً بر تجربه شما از پدیده‌ی مورد نظر تأثیر گذار است؟ (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۵)

دورویکرد به پدیدارشناسی از دید کرسول وجوددارد:

الف) پدیدارشناسی هرمنوتیکی یا وجودی منسوب به هایدگر؛ در پدیدارشناسی هرمنوتیک از آنجا که هرمنوتیک با تفسیر و تاویل متن سروکار دارد، پژوهشگر سعی می‌کند که تجربه‌های انسان را به مثابه متن نوشته شده مورد تفسیر قرار دهد و بر این پایه تحلیل خود از پدیده‌های مورد نظر را به دست آورد.

ب) پدیدارشناسی توصیفی؛ پدیدارشناسی تجربی متعالی یا روانشناختی منسوب به هوسرل، به جای تفسیر پژوهشگر بر توصیف تجارب شرکت کنندگان تکیه دارد. در واقع پدیدارشناسان توصیفی اگرچه تصدیق می‌کنند که تفسیر، نقش مهمی در نحوه درک و تجربه افراد از جهان بازی می‌کند ولی این اعتقاد نیز در آنها وجود دارد که می‌بایست و می‌توان این تفاسیر را به کوچک‌ترین حد خود رساند تا بتوان بر «آنچه قبل از این و در

خلوص پدیدارشناسی وجود دارد» تمرکز نمود درحالی که از نظر هایدگر و پدیدارشناسان تفسیری، توصیف محض غیرممکن بوده و همه توصیف‌ها به گونه‌ای تفسیر هستند. نکته اصلی در تفاوت بین این دو رویکرد این است که دغدغه اصلی هایدگر؛ زمینه و بستر زندگی انسان‌هاست، در صورتی که هوسرل به «زمینه» اهمیتی حاشیه‌ای و ثانوی می‌دهد. موس تا کاس رویه‌هایی را برای این رویکرد (هوسرلی) در نظر می‌گیرد که شامل شناسایی پدیده مورد مطالعه، حذف تجارب شخصی و گرد آوری داده‌ها از افراد مختلفی که پدیده را تجربه کرده‌اند می‌باشد، پژوهشگر از داده‌ها خوشه‌های مفهومی به دست می‌آورد در مرحله بعد آن‌ها را به یک توصیف متنی (انچه شرکت کنندگان تجربه کرده‌اند) و یک توصیف ساختاری (چگونه افراد برحسب شرایط و زمینه، پدیده‌ها را تجربه کرده‌اند) تبدیل می‌کند، و در نهایت یک ترکیبی از توصیف متنی و ساختاری ارائه می‌شود تا جوهره‌ی اصلی تجربه به خواننده منتقل شود.

به عبارتی دیگر رویکرد هوسرل از آن‌جا توصیفی نامیده می‌شود که وی قائل به توصیف ذات عمومی و فراگیر پدیده‌ها در پدیدارشناسی بود و پدیدارشناس را فردی مستقل و جدا می‌دانست که می‌تواند ذات یک پدیده را در آگاهی افراد شناسایی و توصیف کند. این اعتقاد بر این مبنا بود که آگاهی همه افراد ساختار مشترکی دارد و کار پدیدارشناس توصیف بدون تفسیر این ساختار آگاهی است که ذات پدیده را در خود جای داده است. هوسرل به توصیف پدیده معتقد است و تفسیر را به میان نمی‌آورد چرا که به ذهنیت متعالی یا استعلایی معتقد است. یعنی حالتی که در آن پژوهشگر قادر است واقعیت زیسته خود را کنار بگذارد و پدیده را بصورت محض درک و توصیف کند. (پروری، ۱۳۹۸)

استراتژی مدنظر ما در این پژوهش، رویکرد پدیدارشناسی توصیفی هوسرل است که به اعتقاد هوسرل، پدیدارشناس با طی کردن سه مرحله جداسازی، تا حدود زیادی می‌تواند به ذات یا جوهره واقعی پدیده‌ها دست پیدا کند:

اپوخه (Epoche Einklammerung) (تعلیق، در پرانتز گذاشتن)

«با تعلیق، همه چیز به پدیدار تنزل پیدا می‌کند، پدیداری که به ادراک بلاواسطه ما درآمده است.»

اولین مرحله «اپوخه» است. به زعم هوسرل، اپوخه یعنی خودداری از هرگونه داوری و حکم درباره وجود عالمی خارج از آگاهی بشر، هوسرل (۱۹۸۲) در توضیح تفاوت اپوخه پدیدارشناسانه با سایر مکاتب این گونه بیان می‌کند: من این جهان را همچون یک سوفیست، نفی نمی‌کنم؛ در وجود واقعی‌اش همچون یک شکاک تردید نمی‌کنم، بلکه اپوخه پدیدارشناسی را اعمال می‌کنم که مرا مطلقاً از هرگونه حکمی راجع به وجود واقعی مکانی زمانی بازمی‌دارد. از آنجا که پدیدارشناسی به بررسی تجارب محض و آگاهی بشر از ابژه می‌پردازد، باید از شهود بی‌واسطه آغاز کرد، بدون آن که پیش فرض داشت. این فرض که جهان خارج و مستقل از آگاهی من (آگاهی خودافراد) هم چنان است که آن جاست، همین حکم به وجود عالم خارج است که باید در معرض اپوخه قرار گیرد. زمانی که این گونه پیش فرض‌ها، تعلیق شود آن چه باقی می‌ماند تجربه و آگاهی من است؛ یعنی دیگر امر واقع مورد بحث نیست، بلکه تجربه و آگاهی من جایگاه خود را می‌یابد. اپوخه موجب می‌شود پدیدارشناس فقط بر آن چیزهایی که بر من ظهور می‌کند تمرکز داشته باشد و وقت خود را بیهوده صرف این که آیا در پشت چیزی که بر من ظهور کرده جوهری هست یا نه نمی‌کند. در واقع، اپوخه همان روی برتافتن از عادات فکری متداول است. پدیدارشناس با آن چه به طور عرفی به عنوان واقعیت در بیرون است سر و کار ندارد، بلکه آن چه برای افراد پدیدار شده را ملاک قرار می‌دهد. یعنی رابطه بین ذهن خود افراد و آن پدیده عینی، برایش حائز اهمیت است. به بیانی دیگر با بحث اپوخه، ساحت ما از نومن به ساحت فنومن تبدیل می‌شود؛ بدین معنا که سوژه در ابتدا در باب چیزی که ظهور یافته قضاوتی نمی‌کند که این ابژه نفس‌الامری دارد یا نه؟ در مرحله اپوخه انسان فقط با چیزهایی که مشاهده می‌کند سر و کار دارد و اگر خود را بیهوده مشغول این بحث کند که در پشت چیزی که مشاهده کرده جوهری هست یا نه و در

پی‌رد و اثبات آن برآید، عملاً نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت. محقق باید نقطه شروع خود را رها کند، باید قبول کند در این مرحله، شناخت از امر متعالی ناممکن است و تظاهر به دانستن، پیش‌داوری صرف است (بودلایی، ۱۳۹۸). بدین جهت ابتدا همه پیش‌فرض‌های نظری، پیش‌داوری‌ها و قضاوت‌های ارزشی خود را در مورد فرجه مناسک و پیامدهای آن کنار گذاشته و بدون ارائه فرضیه‌ای تلاش می‌کنیم با رعایت اصول فراغت ارزشی به پدیده مناسک مذهبی نزدیک شده و ابعاد عینی و اجتماعی آن را مورد مطالعه علمی قرار دهیم.

ایدیسیون (تقلیل آیدتیک)

دومین گام از تقلیل، به تقلیل آیدتیک معروف است یعنی رساندن پدیده به جایی که فقط بخش‌های غیرقابل تغییر ذات آن باقی بماند، به این مرحله ذات بخشی یا ماهیت بخشی نیز گفته می‌شود. اینک پدیدارشناس جنبه‌های فردی آگاهی افراد از یک پدیده را کنار می‌گذارد و به جنبه ماهوی آن می‌پردازد. یعنی آن قسمت از پدیده که میان افراد مختلف مشترک است و در ذهن تمامی افراد متجلی شده‌اند و نمی‌توان آن‌ها را حذف کرد و اگر آن‌ها را حذف کنیم پدیده مورد بررسی نیز دیگر مفهومی ندارد. در این‌جا پدیدارشناس با گذار از مرحله پدیداری محض (اپوخه)، فعلیت اشیاء و تاریخ آن‌ها را کنار گذاشته و مجدداً به مرحله ذاتی پدیده (ایدتیک) برمی‌گردد و در صد آن بر می‌آید که با ذات بخشی به پدیدارها و خلق مضامین کلی، زمینه را برای خلق علوم جدید فراهم نماید. در این مرحله آن درک و تجربه مشترکی که مشارکت‌کنندگان از پدیده مناسک مذهبی دارند را برچسب زده، تلاش می‌کنیم با خلق مضامین کلی، به الگویی مشترک از تجربه‌ی مناسک توسعه یافته از منظر مشارکت‌کنندگان دست یابیم.

در این شیوه برای دستیابی به ماهیت پدیده مناسک توسعه یافته، باید در میان تمام تغییراتی که به دلخواه می‌توانیم در تخیلات خود برای پدیده تصور کنیم، آن عناصر و ویژگی‌های نامتغیری که در پدیده مزبور (مناسک مذهبی در زمان حال) قابل تصور است

را مشخص کنیم. یعنی حداقل شروط لازم برای ممکن بودن تصور کردن آن پدیده کدام‌اند و تغییر کدام ویژگی منجر به تغییر کل پدیده تخیل شده خواهد شد. در این صورت آن عناصر غیرقابل تغییر، همان ماهیت شی محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر، واقعیت‌های مشترکِ درک شده از مناسک مذهبی توسعه یافته در کنار هم قرار داده می‌شود تا به عنوان ماهیت کلی آن پدیده معرفی شوند. مثلاً اگر پدیده «مناسک فربه شده» را عده‌ای از افراد به شکل‌های مختلفی تجربه کرده باشند. تجربیات آن‌ها از این پدیده در برگیرنده زوایای مختلف این پدیده است و هر کسی تجربه خاص خودش را از «مناسک مذهبی توسعه یافته» دارد. اما در صورتی که این تجربیات را بطور عمیق‌تر بررسی کنیم متوجه خواهیم شد که تجربیات این افراد از برخی لحاظ شباهت‌هایی با یکدیگر دارد ولی از برخی لحاظ، بسیار پراکنده و متنوع است. لذا آن قسمت‌هایی از تجربیات که در ذهن تمامی افراد متجلی شده و مشترک هستند و اگر این قسمت‌ها را حذف کنیم آن پدیده دیگر معنی نخواهد داشت را استخراج کرده و بخش‌های بسیار پراکنده و متغیر آن را حذف می‌کنیم. آن چه باقی می‌ماند همان جوهره یا ماهیت پدیده «مناسک مذهبی در زمان حال» است. (پروری، ۱۳۹۸)

تقلیل محقق

سومین گام از تقلیل، «تقلیل محقق» است. کلیت‌های محضی (مانند پیامدهای مثبت و منفی) که در مرحله تقلیل ایدتیک به آن‌ها دست یافتیم هنوز محض به معنای پدیدارشناسانه آن نیستند، چراکه این کلیت‌ها از واقعیت‌های موجود قبلی گسسته شده‌اند ولی هنوز به یک امر تجربی یعنی فاعل (یا همان شخص اعمال‌کننده تغییرخیالی) وابسته اند، در حالی که جوهره پدیده باید از هرگونه پیوندی با امر واقع حتی صورت انسانی آن مبری باشد، پس باید این فاعل را نیز تقلیل کنیم؛ از این رو، هوسرل گام سوم در تعلیق، یعنی رسیدن به «اگوی محض» را بر می‌دارد. این گام، من انسانی را مبدل به یک من

محض می‌سازد که دیگر متعلق به جهان نیست. بدین لحاظ باید من انسانی را هم از حیث وجود طبیعی و هم از حیث وجود تاریخی اش در معرض تقلیل پدیدارشناختی قرار دهیم تا تبدیل به من محض شود.

مصاحبه همدلانه

اغلب گردآوری داده‌ها در مطالعه‌ی پدیدارشناختی، شامل مصاحبه‌های عمیق، مصاحبه‌های چندگانه، بحث‌های گروهی و مشاهده‌ی مشارکتی است که البته مهمترین ابزار برای جمع‌آوری اطلاعات در چنین پژوهشی، مصاحبه‌ی عمیق غیرساختاریافته است که در انجام پژوهش از آن بهره می‌بریم. در این روش منابع یا افرادی بررسی می‌شوند که بیشترین تجربه و اطلاعات را در رابطه با موضوع مورد نظر دارند و نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کرده است، تعداد افراد مصاحبه‌شونده سیزده نفر از اساتید و اعضای هیئت علمی دانشگاه واساتید سطح عالی حوزه علمیه قم و کارگزاران و دست‌اندرکاران مناسک مذهبی می‌باشند. مصاحبه‌ها به جهت خنثی کردن تاثیر موقعیت‌ها، در زمان‌های مختلف و خارج از فضای برگزاری مناسک صورت گرفته است. مصاحبه‌ها به صورت حضوری انجام گرفته و با اطلاع مشارکت‌کنندگان ضبط شده و مشتمل بر چهار سوال اصلی بوده است. سوالات در این مصاحبه در رابطه با تجارب، احساسات و عقاید مشارکت‌کنندگان در رابطه با موضوع مورد مطالعه (فربه شدن مناسک مذهبی و پیامدهای آن) می‌باشد. به طور مثال: آیا قبول دارند پدیده مناسک مذهبی (خصوصاً مناسک عاشورایی) فربه شده؟ اگر چنین درکی دارند این فربه شدن چه آثار و پیامدهای در پی دارد.

تعریف مفاهیم

مناسک

مناسک در لغت

جمع مکسر منسک از ریشه مصدری «نسک» به معنای عبادت کردن و هر چیزی که موجب نزدیکی به خدا شود، جای قربانی کردن، آیین‌های عبادی و جایگاه‌های نیایش می‌باشد.

در اصطلاح جامعه‌شناختی

از نظر تاریخی، انسان‌شناسان مناسک (ritual) را به مراسم مذهبی پیوند داده‌اند. برخلاف سنت جامعه‌شناختی کنت، مارکس و وبر که به سبب رویکرد ذهن‌گرایانه در فهم دین برای فهم ادیان، مناسک دینی را کنار گذاشته و به سمت باورهای ادیان متوجه گشته‌اند، انسان‌شناسانی مانند رابرتسون اسمیت، دورکیم، مالینوفسکی و رادکلیف براون معتقدند مناسک پدیده‌ای نه صرفاً ذهنی و نه صرفاً رفتاری است بلکه مناسک توأمان امری ذهنی و امری رفتاری می‌باشد و آیین و کاربرد سنتی مقدم بر اعتقادات هستند، بدین جهت برای فهم دین، باید به سراغ مشاهده و تحلیل مناسک آن دین رفت. مناسک دینی موجود به دودسته «مناسک دینی یا مناسک اولیه» و «مناسک مذهبی یا مناسک ثانویه» تقسیم می‌شود.

مناسک اولیه

مناسک اولیه، مناسک مؤسسان است؛ مناسکی مقدس که در نصوص بنیادین دین تشریح شده‌اند. این مناسک فرم متصلب و ثابتی دارند و حدود و ثغور و کیفیت اجرایشان در شریعت (فقه) توسط مؤسسان به دقت بیان شده است. در منظومه‌ی اعتقادی هر دین، تشریح‌کننده و مؤسس اصلی این مناسک، بالاترین مقام قدسی (خدا) قلمداد می‌شود. به همین دلیل ادیان قادر نیستند توضیح شفاف و صریحی درباره‌ی چرایی فرم این مناسک

ارایه دهند. دیندار باید تعبداً یک فرم رفتاری خاص و تکرارشونده را بپذیرد؛ بدون آن که درباره آن اجازه چون و چرا داشته یا در آن اجازه‌ی دخل و تصرف داشته باشد (فیاض و رحمانی، ۱۳۸۵). به عبارت دیگر مناسک اولیه برای دیندار قابلیت شناخت دارند، نه فهم. تبعیت از این مناسک الزامی و تخطی از آن‌ها مستوجب عقاب است. همچنین میزان و کیفیت تعلق دیندار به این مناسک، تعیین‌کننده‌ی سطح تدین او از نظر دین رسمی است. در اسلام، مشخصاً نماز، روزه و حج را می‌توان مناسک مقدس اولیه دانست. کارکرد این مناسک عمدتاً انفسی، معنوی، تعالی بخش و تقرب جویانه است.

مناسک ثانویه

اما به موازات مناسک اولیه، در گروه‌های دینی معمولاً مناسک دیگری هم شکل می‌گیرند که مناسک تابعان است و از این حیث آن‌ها را «ثانویه» می‌نامیم. محل پیدایش این مناسک در منطقه الفراعنه شریعت است؛ هرچه این منطقه فراخ‌تر باشد، امکان پیدایش مناسک ثانویه بیشتر است و بالعکس. مناسک ثانویه را خود دین‌داران ابداع می‌کنند (فیاض و رحمانی، ۱۳۸۵). این مناسک، میدان ظهور خلاقیت و آفرینندگی دینداران است و لذا مناسک ثانویه، برخلاف مناسک اولیه، به شدت متکثر و سیال و تطورپذیرند؛ از جغرافیایی به جغرافیای دیگر، از یک برهه‌ی تاریخی به برهه‌ای دیگر، از یک اقلیم فرهنگی به اقلیم دیگر، مناسک ثانویه تعاریف و فرم‌های متعدد و متنوعی را پذیرا می‌شوند. مناسک ثانویه را در هیچ فرم ثابتی نمی‌توان محصور کرد و زایش، تطور و پویایی ویژگی لاینفک این مناسک است. در تاریخ دین‌داری و طی فرایندی پیچیده، مناسک ثانویه تکوین می‌یابند و تدریجاً در فرهنگ دینی ثبت و انباشت می‌شوند. در پیدایش آن‌ها مجموعه‌ای از عوامل محیطی مختلف، از سیاست و اقتصاد و فرهنگ عامه و حتی اقلیم و زیست‌بوم دخالت دارند. هرچه مناسک اولیه میل به خلوص دارند، مناسک ثانویه، به تبع خصلت فرهنگ، میل به التقاط و آمیزش دارند. به همین دلیل بسیاری اوقات تبارشناسی این مناسک به غایت دشوار است. به سبب همین ویژگی‌هاست که عامه

دینداران نسبت به مناسک اولیه، رغبت و اهتمام بیشتری به مناسک ثانویه دارند. تاجایی که برخلاف نظر نخبگان دینی، برای مردم عامه کشور مناسک عزاداری محرم یکی از ارکان اصلی دین داری و در واقع مهمترین رکن مناسک دینی محسوب می‌شود. چون این مناسک برایشان جذاب‌تر است و فرصت و امکان بروز خلاقیت در اختیارشان می‌گذارد، لذا ما به تعداد دینداران تعریف از مناسک ثانویه داریم. به عبارت دیگر مجموعه مناسک زیارت و عزاداری، مهمترین مصادیق مناسک ثانویه‌اند. مناسکی که نقش پررنگی در فرهنگ شیعی داشته‌اند و در طول تاریخ، هویت شیعه با آن‌ها پیوند خورده است. اما با وجود این، هیچ‌کدام این مناسک، علیرغم اهمیت ویژه و جایگاه حساسی که در تشیع یافته‌اند، جزو دین نیست. به همین دلیل هیچ اجباری در انجام آن‌ها وجود ندارد. یک شیعه می‌تواند عزاداری یا زیارت نکند و در شعاع دینداران باقی بماند، اما ترک مناسک اولیه مثل نماز مساوی خروج از دایره‌ی دین (در تعریف رسمی) است. کارکرد مناسک ثانویه بیشتر آفاقی، اجتماعی، سیاسی و هویتی‌اند. مناسک و آیین‌های عاشورایی از سنخ مناسک ثانویه و ذیل عنوان مناسک تقویت جای می‌گیرند.

فربه شدن مناسک

فربه شدن در لغت به معنای چاقی و چاق شدن می‌باشد. همان گونه که چاق شدن یک انسان ابعاد مختلفی به جسم و حجم بدن انسان می‌افزاید، درباره پدیده مورد نظر ما (مناسک مذهبی و عاشورایی) نیز چاق شدن مساوی با اضافه شدن ابعاد گوناگونی به این پدیده است که این ابعاد از دو حیث قابل بررسی است:

فربه شدن کمی

شامل افزایش آمار هیئت‌ها و مجالس عزاداری، رشد آمار مداحان می‌شود به طوری که آمار هیئات مذهبی استان تهران به ۱۹۲۹۴ مورد و تعداد مداحان به ۶۷۱۵ نفر در سال ۱۳۹۶ افزایش پیدا کرده است. افزایش شمار هیئت‌های مذهبی به ۲۵۰۰ هیئت ثبت شده

دراستان قم، تعدد و تکثر بی رویه‌ی مجالس تکریم اهل بیت، تعدد اماکن مذهبی، افزایش بی سابقه‌ی ایستگاه‌های صلواتی و موکب‌های پذیرایی از مردم در ماه‌های محرم و صفر، دهه سازی‌ها (دهه اخرمه صفر، دهه محسنیه، دهه فاطمیه، دهه مسلمیه، دهه ولایت، دهه کرامت) همچنین شامل مراسم شیرخوارگان حسینی (ویژه نوزادان)، مراسم نوباوگان حسینی (ویژه نوجوانان)، همایش احلی من العسل (ویژه نوجوانان و جوانان)، مراسم تجمع رهروان زینبی (ویژه بانوان)، پیاده روی اربعین، پیاده روی دهه اخرفر به مشهد، پیاده روی حرم تا جمران در شب نیمه شعبان، بازسازی نمادین حرکت کاروان اسرا از کربلا تا شام و... می‌شود.

فربه شدن کیفی

که شامل اضافه شدن برنامه قرائت قرآن در ابتدای مراسم عزاداری و مناجات به آخر مجلس عزاداری، افزایش مناسبت‌های تقویمی، ارتقای منزلت اجتماعی مداحان، افزایش حجم زمانی برگزاری هیئات و مراسمات، اضافه شدن دسته طبالان (طبل زنان) و دسته علم گردانان، ودسته بیوت مراجع تقلید در قم در روز شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) و روز شهادت امام صادق(ع) و تنوع مکان‌های برگزاری این مناسک: حرم ائمه اطهار (ع) و امام زادگان، بیوت مراجع تقلید، حسینیه‌ها، مساجد، ورزشگاه‌ها، بازار، منازل شخصی، مهدیه‌ها، تکیه‌ها، دانشگاه‌ها و مدارس، موکب‌های موقت، خیابان‌ها، ادارات و سازمان‌های دولتی می‌شود.

پیامد

مفهوم پیامد مفهومی عام است که شامل کارکرد (اثر متوقع آشکار و پنهان یک ساختار برای یک نظام گسترده‌تر) و همچنین شامل اثر غیرمتوقع یک ساختار برای یک نظام گسترده‌تر می‌شود.

یافته‌ها

هدف ما از این پژوهش چنانچه که قبلا گذشت بازتفسیر توصیفات مشارکت‌کنندگان از تجارب و ادراکشان در رابطه با پدیده فریبهی مناسک و آیین‌های مذهبی و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی آن می‌باشد. به همین جهت با در نظر گرفتن معیار اشباع نظری، ۱۳ نفر از اساتید حوزه علمیه قم و دانشگاه، دست اندرکاران و سیاستگذاران امر مناسک مذهبی که هر کدام به نحوی با موضوع مورد بحث ارتباطی نزدیک داشته به عنوان مشارکت‌کنندگان در این رساله انتخاب شدند.

پس از پیگیری و هماهنگی با مشارکت‌کنندگان برای شرکت در این تحقیق، از شرکت‌کنندگان به صورت جداگانه و در زمان‌های مختلف مصاحبه صورت گرفت و گفته‌های آن‌ها به صورت فایل صوتی ضبط شد. بلافاصله بعد از هر مصاحبه محتوای فایل صوتی را روی متن پیاده شد و گزاره‌های پیاده شده‌ی مهم و معنی داری که به این واسطه از فرایند مصاحبه نیمه ساختاریافته به دست آمد، داده‌های این پژوهش را تشکیل می‌دهند که طبعاً مرحله تحلیل براساس این داده‌ها به انجام می‌رسد.

پس از جداسازی و برچسب زدن به عبارات و جملات مرتبط با سوالات پژوهش، برای توصیف تفسیرهای مشارکت‌کنندگان در رابطه با پدیده فریبهی مناسک مذهبی، باید واحدهای معنایی را شکل بدهیم. برای رسیدن به چنین هدفی می‌توان از تکنیک کدگذاری باز بهره برد. با استفاده از این تکنیک می‌توان هر یک از جملات را به واحد معنایی منتسب کرد البته براساس عینی‌ترین و محسوس‌ترین و ملموس‌ترین معنایی که از متن جملات دریافت می‌شود. در این مرحله به هر یک از جملات یا چند جمله‌ی دارای یک بار معنایی و مرتبط باهم، یک واحد معنایی داده می‌شود که سازه‌های دست اول را شکل می‌دهند. به طور مثال تعدادی از مشارکت‌کنندگان دسته قابل توجهی را تولید کرده‌اند، به این صورت که؛ همه به تقلیل گفتمان دینی به بعد نمایشی دین، کمرنگ شدن بعد اعتراضی و

عدالت‌خواهانه دین، اصل قرارگرفتن خود مناسک مذهبی، مهم‌ترگشتن حالت عینیت‌پذیری باورداشت‌ها از خود باورداشت‌ها وعدم توازن درمولفه‌های دین‌داری اشاره کرده‌اند. همه‌ی این گزاره‌ها براین اساس ساخت یافته‌اند که دین شبکه‌ای از ابعاد و مولفه‌های گوناگون است که باید همه‌ی آن ابعاد و مولفه‌ها را مورد توجه قرارداد، لذا اهمیت بیش از حد به برخی مولفه‌ها و قصور نسبت به مولفه‌های دیگر دین این شبکه منظم و هماهنگ و درهم تنیده را دچار مشکل و اثرگذاریش را مختل می‌کند، بدین ملاحظه عبارت برهم خوردن توازن ابعاد دین، از دل این گزاره‌ها استخراج شد.

یافته‌های علل و زمینه‌های فربهی مناسک دردهه‌های اخیر

قبل از اینکه به بیان یافته‌های مربوط به سوال اصلی تحقیق (پیامدهای فربهی مناسک) شایسته است به بررسی یافته‌های سوال فرعی پژوهش (علت و زمینه‌های فربهی مناسک) بپردازیم. باید دراین بخش طبق مسیراز پیش تعیین شده حرکت کرده و به جواب این سوال از درون متن مصاحبه‌ها و با کاربست مراحل روش پدیدارشناسی دست یابیم.

گروه‌های مرجع دینی، بحران‌های اجتماعی، نهادهای ثانویه اجتماعی (رسانه جمعی)، تغییرات اجتماعی و فرهنگی، حاکمیت سیاسی، دولت دهم، جریان‌ات برون حاکمیتی، تغییرات سیاسی، بهره‌برداری سیاسی، دشمنان بیرونی، ذات و طبیعت فرهنگ، ضعف‌ها و کمبودهای فرهنگی از علل و زمینه‌های فربه شدن مناسک مذهبی می‌باشند که به طور کلی درسه دسته قابل تفکیک از هم می‌باشند. به این صورت:

علل و زمینه‌های اجتماعی

مشارکت کنندگان علل و زمینه‌های اجتماعی را یکی از مهمترین عوامل فربه شدن مناسک مذهبی در دهه‌های اخیر ذکر می‌کنند؛ تغییرات اجتماعی گسترده‌ای همچون افزایش جمعیت که یکی از لوازش توسعه مناسک مذهبی متناسب با رشدش می‌باشد،

ترس گروه‌ها و کارگزاران دینی از کمرنگ شدن مرزهای دینی و هویتی، عدم آگاهی از کارکرد مناسک، در نتیجه اهمیت دادن و هزینه کردن در مسیر رشد و توسعه هر چه بیشتر مناسک، وجود بحران‌های اجتماعی و نیاز به احساسات برای عبور از بحران‌ها با استفاده از پتانسیل احساسی مناسک و نهادهای ثانویه اجتماعی (رسانه).

(م-۶): «این فربهی مناسک از عوارض جدی ظاهرگرایی است، سازمان‌ها و کارگزاران دینی بخاطر جنبه‌های بیرونی و نمایشی مناسک، آن را به عنوان جلوه گاه اقتدار دین تلقی می‌کنند لذا آن را خیلی جدی می‌گیرند، برایش هزینه می‌کنند و بازار مناسک را داغ می‌کنند.» و (م-۷): «گاهی اوقات نخبگان، حتی علما و مراجع تقلید در فربه شدن این مناسک به صورت غیراستاندارد نقش دارند، مثلاً یک فقیهی می‌گوید دهه فاطمیه باید مثل عاشورا شود، مردم هم به آن به عنوان فتوا نگاه می‌کنند.» همچنین (م-۱۳): «و طبعاً بامیدان گردانی بعضی گردانندگان این جلسات و مداحان و حامیان آن‌ها و باز تبلیغات صداوسیما و فضای مجازی توسعه یافته است.» و (م-۱): «تلاش برخی اصلاح‌گران فرهنگی برای ایجاد وحدت میان شیعه و سنی و کاهش اختلافات تاریخی و متقابلاً خوف برخی جریان‌ها از کم رنگ شدن مرزهای اعتقادی و هویتی شیعه با دیگران در افکار عمومی شیعیان.» و (م-۱): «نیاز به هیجان‌زایی توده‌ای برای ترغیب به مشارکت در حوادث ناگواری همچون جنگ و سایر بحران‌های اجتماعی.» و (م-۱۰): «گسترش جمعیت و افزایش متقاضیان و دوستداران برپایی این مراسمات دلیل این توسعه و تنوع است، قبلاً شما بودی و حرم امام رضا، یه حرم کوچک بایه جمعیت اندک، اما الان ۳۰ میلیون زائر دارد خب به صحن نیاز دارد، امکانات می‌خواهد، اقتضای افزایش جمعیت این تنوع است.» و همچنین (م-۱): «نفوذ فرهنگ سکولار از مجرای فرایند جهانی شدن و ارتباطات گسترده میان فرهنگی با جهان و خوف از تضعیف سرمایه‌های فرهنگ دینی در این رویارویی.»

به فراوانی قابل توجهی از دید بیشتر مشارکت‌کنندگان، رسانه‌های جمعی رسمی مانند رسانه‌ی ملی و غیررسمی همچون شبکه‌های مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای به عنوان یک نهاد ثانویه اجتماعی مهمترین نقش را در ترویج و تکثیر مناسک نوپا و تازه تاسیس در دهه‌های اخیر ایفا کرده و می‌کند.

(م-۳): «خب نقش صدا و سیما در این قضیه خیلی مهم است و عامل اصلی فربه شدن مناسک رسانه است.» و (م-۱): «همچنین نقش ماهواره‌های مذهبی و شبکه‌های اجتماعی در تشدید این برنامه‌ها».

علل و زمینه‌های سیاسی

مشارکت‌کنندگان زمینه‌های سیاسی همچون تغییرات سیاسی در راس حکومت‌های ایران و عراق و همچنین علل سیاسی همچون آگاهی حاکمیت و جریان‌های سیاسی همچون جریان موجود در بدنه دولت دهم و دشمنان بیرونی را به کارکردهای ابزاری و پتانسیل احساسی موجود در مناسک در نتیجه تقویت مناسک مذهبی برای استفاده در مسیر اهداف خود را، از مهمترین عوامل فربه‌ی مناسک شمرده‌اند.

(م-۳): «حکومت ما حکومتی دینی است و با این مباحث گره خورده، کشورها در معرض طوفان‌های متعدد فشارهای بیرونی و خارجی است، خودهیئات که مردم نوعاً متصل به این‌ها هستند می‌توانن تکیه گاه و مامنی برای حکومت باشند و حکومت می‌تواند از هیئات و م‌داحان در توجیه و تقویت دلبستگی بهره برد.» همچنین (م-۵): «فربه شدن مناسک برای حکومت کارکردهای زیادی دارد از جمله؛ افزایش سرمایه‌ی اجتماعی، بدین وسیله به مردم القا می‌کند من مذهبی هستم؛ ببینید مساجد را زیاد کردم، مداحان پیش من کرامت دارند، هیئتی‌ها برای من محترم‌اند.» و (م-۲): «در دوره ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد یک جریان انحرافی در درون دولت وقت ایران شکل گرفته بود که مداح محوری و برخی مناسک را به صورت نهادینه تقویت کرد، این جریان با

جایگزین کردن امام زمان به جای امام صادق می‌خواست جریان فقاقت را تضعیف کند.» و در نهایت (م-۸): «یک عده‌ای بیرون از حاکمیت، برای رسیدن به منافع شخصی خود با عنوان کردن مسائل سیاسی، مناسکی را درست کردند که زمینه را برای به قدرت رسیدن خود فراهم کنند.»

عوامل و زمینه‌های فرهنگی

تعامل با سایر فرهنگ‌ها، اصول مسلم فرهنگی مثل لزوم احترام به بزرگان و وجود ضعف‌ها و کمبودهایی در تولید عناصر مناسب فرهنگی و فراغتی، که مناسک به عنوان عنصر جایگزین و جبران کننده‌ی آن کمبودها رخ می‌نماید، به عنوان یکی از مهمترین علل و زمینه‌های فرهنگی فربه شدن و توسعه‌ی مناسک مذهبی نامبرده شده است.

(م-۷): «طبیعت و ذات فرهنگ زایش دارد، چون مردمی که در یک فرهنگی هستند با توجه به تعامل با سایر فرهنگ‌ها، روح خلاق و نوآور و تعالی طلب ما انسان‌ها که در همه‌ی عرصه‌ها به دنبال نوآوری و تنوع هستیم، ناخودآگاه متولیان این مناسک را به سمت نوآوری می‌برد.» و (م-۱۱): «در تقویم رسمی ایران نگاه کنید در ۳۰ سال گذشته بسیاری از مناسبت‌های غیرمذهبی به آن اضافه شده مثل بزرگداشت شخصیت‌های علمی، فرهنگی، الان در فرهنگ‌ها و اجتماعات جهانی بزرگداشت بزرگان امری پذیرفته شده است، طبیعی است به موازات مناسبات اجتماعی در تقویم منعکس شوند و در بزرگداشتشان جلسات و همایش‌هایی برگزار شود. آیا امامان و امام زادگان ما کمتر از این‌ها هستند؟»

پیامدهای فربه شدن مناسک مذهبی

به طور کلی بانگاه به سوال اصلی تحقیق و پاسخ‌های در رابطه با آن، پیامدهای فربه شدن مناسک جمعی، در دو مقوله اصلی پیامدهای مثبت و پیامدهای منفی قابل بررسی است.

پیامدهای مثبت

انسجام اجتماعی: به لحاظ فراوانی، آخرین مورد از پیامدهای مثبت فربه شدن مناسک می‌باشد. شاید هیچ کارکردی برای مناسک دینی و مذهبی همانند کارکرد انسجام بخشی مورد اتفاق جامعه شناسان نباشد اما این کارکرد کمترین میزان فراوانی (۲مورد) را در میان پیامدهای مثبت دارد. و مشارکت کنندگان آن را به عنوان انسجام بخش جامعه‌ی دینی و جامعه‌ی دوست داران اهلیت معرفی نموده‌اند، به صورتی که این قابلیت را دارد که جامعه‌ی متکثر ما را حول محوری به نام اهلیت گرد هم آورد. (م-۴): «این مناسک انسجام اجتماعی برقرار می‌کند بدین جهت حکومت از این مناسک حمایت می‌کند، و چون شکل و جنس این گردهمایی‌ها یک جنس دینی می‌باشد پس حکومت و دولت از این گردهمایی‌ها و این فربه‌ی خوشش می‌آید».

تجدید حیات اجتماعی: اغلب مشارکت کنندگانی که از فربه‌ی مناسک تلقی صرفاً منفی ندارند مناسک را تکیه گاه و پناه‌گاهی می‌دانند که بسیاری از کمبودها و تعارض‌های عاطفی افراد، با شرکت در هیئت‌ها و دسته‌جات جبران می‌شود. و با برگزاری هرچه بیشتر مناسک، خیلی از نگرانی‌ها و ناآرامی‌های روحی و روانی افراد در جامعه با حضور در مناسک مذهبی به آرامش تبدیل می‌شود. (م-۹): «هرچه این مراسمات برگزار شود و گسترده‌تر شود یک آرامش روانی خاصی به جامعه می‌دهد».

افزایش حساسیت مومنانه: مهمترین پیامد مثبت گسترش و فربه شدن مناسک مذهبی به لحاظ تعداد فراوانی می‌باشد. اغلب مشارکت کنندگانی که از فربه‌ی مناسک تلقی صرفاً منفی ندارند؛ مناسک فربه شده را وسیله و محملی مناسب می‌پندارند که انتقال معارف دین به توده مردم باز تولید مفاهیم و رفتارهای دینی و تقویت ذهنیت دینی عموم مردم از خلال آن و بواسطه آن صورت می‌گیرد. آن‌ها فربه شدن مناسک را نشانه‌ی افزایش موقعیت اجتماعی دینداری و فرهنگ دینی ارزیابی می‌کنند و معتقدند کثرت این مناسبات

موجب تذکر و بازگشت به بندگی و کاهش زمینه‌های غفلت می‌شود. (م-۸): «هرچه مناسک بیشتر باشد زمینه برای تبلیغ و ترویج احکام دین بیشتر می‌شود، چون مردم تجمع می‌کنند و به لحاظ احساسی آماده‌اند». و (م-۹): «ایجاد حس همدلی و همدردی در جامعه به برکت وجود همین هیئات است».

پیامدهای منفی

طبق برآیند مصاحبه‌ها هفت تم اصلی در رابطه با پیامدهای منفی فربه شدن مناسک مذهبی استخراج شده که براساس فراوانی داده‌ها به آن پرداخته می‌شود.

برهم خوردن توازن ابعاد و مولفه‌های دینداری: به عقیده عموم مشارکت‌کنندگان دین مجموعه درهم تنیده‌ای از عناصر و مولفه‌ها است که مناسک یکی از این مولفه‌ها می‌باشد که می‌بایست در خدمت عناصر و مولفه‌های اصلی دین باشد، با فربهی مناسک مذهبی وسیله به جای هدف نشسته و نقش و جایگاه مناسک در نزد دینداران تغییر پیدا می‌کند و مناسک مذهبی جای مولفه‌هایی که از جانب خود دین به عنوان معیار و شاخص تدین معرفی شده‌اند را گرفته و موضوعیت پیدامی‌کند.

(م-۲): «اگر شما مناسک را زیاد کردی، همان جوانی که تا بعد از نیمه شب عزاداری می‌کند دیگر نماز صبح نمی‌خواند، زیرا احساس می‌کند وصل به امام حسین شده است». و (م-۳): «کار به جایی می‌رسد که دیگر حرف مراجع تقلید را گوش نمی‌دهند، آن هم مرجعیتی مثل آیت الله بروجردی که دیگر مثلش را نداریم». همچنین (م-۵): «با فربه شدن مناسک حالت عینیت‌پذیری باورداشت‌ها مهم‌تر از خود باورداشت‌ها می‌شود».

تضعیف اصل مناسک: به عقیده غالب مشارکت‌کنندگان از تمام طیف‌ها (چه کسانی که قائل به فربه شدن هستند و چه سایرین)، نیازهای انسان اشباع پذیر است لذا در عرضی هر چیزی همیشه باید به میزان تقاضا توجه کرد و از طرفی هم تکرار شونده‌گی و دم دستی بودن می‌تواند از جذابیت مناسک بکاهد در این فرض حتی گاهی تمایل و علاقه تبدیل به

نفرت می‌شود. با در نظر گرفتن این نکات مشارکت‌کنندگان معتقدند افراط در ایجاد و توسعه‌ی مناسک مذهبی در نهایت به تفریط و دلزدگی در آن‌ها می‌انجامد.

(م-۱): «این فریبه‌ی برای افراد در مقاطع سنی بالا رفته رفته به نوعی ازدگی و نفرت و احساس تهی‌شدگی منجر می‌شود». و (م-۲): «فریه شدن مناسک مضموم است چون در نهایت اصل مناسک را تضعیف می‌کند زیرا انسان اشباع پذیراست و در صورت عرضه‌ی بیش از نیاز دلزده می‌شود».

تضعیف گفتمان عقلانیت: اکثر مشارکت‌کنندگان بر این باورند که با دامن زدن زیاد به رفتارهای مناسکی که پتانسیل احساسی بالایی دارند، مداحان به عنوان تولیدکنندگان مفاهیم و عناصر احساسی، نقش اول را در این مناسک بازی می‌کنند و جامعه‌ی روحانیت که پرچمدار ترویج و تبیین عقلانیت در مناسک است به حاشیه رانده شده و از اولویت عناصر و مولفه‌های موجود در مناسک خارج می‌شود. در چنین شرایطی، غلبه‌ی گفتمان احساسی، جامعه‌ی دین‌داران را از توجه به جنبه‌های شناختی و معرفتی دین و همچنین خردورزی باز می‌دارد و این گفتمان در همه‌ی عرصه‌های جامعه حتی آن‌جایی که فضا فضای عقلانیت است نقش ایفا می‌کند.

(م-۸): «شکل مرجعیت روحانیت هم متناسب با ذائقه‌ی مردم تغییر می‌کند، روحانیون برای حفظ جایگاهشان مهارت‌های مداحی و روضه خوانی خود را افزایش می‌دهند». و (م-۶): «غالباً مداحان نمی‌توانند پیام دین را به نحو مطلوبی ارائه کنند و تمرکزشان بیشتر بر برانگیختن عواطف و احساسات است و مخاطب خود را به اندیشه‌ورزی و تأمل وا نمی‌دارند».

گسست اجتماعی: این پیامد در کنار دو پیامد بعدی بیشترین فراوانی را در بین پیامدهای ذکر شده از جانب مشارکت‌کنندگان به خود اختصاص می‌دهند. غالب مشارکت‌کنندگان چنین می‌نگرند که فریبه‌ی مناسک شیعی نوعاً بر تمایزات و درگیری‌های مذهبی

می‌انجامد؛ چراکه مناسک مذهبی (برخلاف شعائر دینی) باتکیه بر پررنگ کردن اختلافات و افتراقات مذهبی پدید آمده است و در حال اوج گرفتن است و با توجه به اینکه حداقل ۱۰ درصد جامعه‌ی ما را اهل سنت تشکیل می‌دهند تاکید و توسعه چنین مناسکی انسجام موجود در جامعه را از بین می‌برد و خطر درگیری‌های مذهبی را به شدت افزایش می‌دهد.

(م-۱): «طبق تجربه، فریبهی مناسک در بخش مناسبت‌های عاشورایی در چند سال اخیر به تشدید تمایزات فرقه‌ای و دامن زدن بیشتر به اختلافات مذهبی شیعه و سنی منجر شده است». (م-۳): «اگر مناسک را مدام تقویت و ترویج کنیم خب قطعاً یک بخشی از محتوایش مسائلی است که حساسیت و اعتراض جامعه اهل سنت را در بر می‌انگیزد... الان چه بخواهیم چه نخواهیم شاهد گسست اهل سنت از حاکمیت هستیم».

ابزاری شدن مناسک: مشارکت کنندگان مناسک را به خاطر قدرت بالقوه‌ای که در تحریک احساسات و بسیج عموم مردم دارد به منزله‌ی شمشیر دو لبه‌ای می‌پندارند که با فربه شدنش، هرکسی و هر نهادی را به استفاده ابزاری از آن به نفع منافع و در جهت اهداف خود به طمع‌ورزی وامی‌دارد، به همین جهت است که ردپای برخی جریان‌ها و صاحبان قدرت که داعیه دین دارند در فریبهی مناسک به چشم می‌خورد، لذا در زمان ما مناسک در حال ایفای نقش اصلی خود نیست.

(م-۳): «مناسک مذهبی برای حاکمیت مهم است و می‌توانند در تثبیت و توجیه دلبستگی به حکومت نقش ایفاکنند، مثلاً در انتخابات مجلس دور گذشته، تهران ۱۴ درصد مشارکت‌کننده داشت که این ۱۴ درصد هیئتی‌ها بودند». و همچنین (م-۵): «حتی نهادی مثل نهاد مرجعیت هم می‌تواند از این مناسک استفاده ببرد و سرمایه اجتماعی برای خود کسب نماید لذا اگر انحرافی در هیئت‌ها رخ دهد، مراجع براحتی جبهه نمی‌گیرند».

مداح محوری: برخی مشارکت کنندگان بر این باورند که فریبهی مناسک مذهبی منجر به تحولی عمیق در جایگاه و منزلت اجتماعی جامعه‌ی مداحان به عنوان کارگزاران

اصلی این مناسک شده است، به طوری که نفوذ و تاثیرشان بر جامعه‌ی دینداران گوی سبقت را مخصوصا در امور مربوط به مناسک از متولیان امر دین (مراجع تقلید و علما) ر بوده و حتی جایگاه و نقش اجتماعی علما و مراجع را به عنوان مرجعیت فکری دینداران، در میان توده‌ی دینداران تحت تاثیر قرار داده است.

(م-۲): «با فربه شدن مناسک به دلیل سطحی بودنش، سبب تغییر مرجعیت فکری توده دینداران می شود. الآن افراد مختلفی مرجعیت فکری مردم را برعهده دارند، اگر مسجد محور باشی مرجع فکری شما مراجع تقلیدند و اگر حسینیه محور باشی مرجعیت فکری شما با مداحان است». همچنین (م-۴): «این سبک دین‌داری نمایشی و عامیه مداحان را تبدیل به متولیان دین می کند».

کارناوالی شدن مناسک: برخی از مشارکت کنندگان بر این باورند که یکی از پیامدهای فربه شدن مناسک خروج مناسک از مساجد و حسینیه‌ها و کشاندنشان به خیابان‌هاست، چه این که مسجد و حسینیه تقيیدات و محدودیت‌های خاص خود را به همراه دارد ولی خیابان فضای منعطف‌تری با امکان آزادی بیشتری را در شکل و صورت برگزاری مناسک و حتی نحوه حضور در مناسک، در دسترس کارگزاران امر مناسک و شرکت کنندگان در مناسک قرار می دهد.

(م-۵): «الان مگر ما مسجد نداریم که هیئت در آن برگزار شود؟ اما بغل خیابان موکب می زنند و هیئت برگزار می کنند یعنی هیئت خیابانی شده است».

نتیجه گیری

در این رساله پژوهشی تلاش گردید پیامدها، علل و زمینه‌های فربه شدن و استقبال مردم از مناسک مذهبی از منظر تجربه زیسته اساتید حوزه و دانشگاه و دست اندکاران امور مناسک مذهبی بازنمایی و روایت گردد، بر همین اساس با نمونه‌ای هدفمند از اساتید و دست اندکارانی که با مناسک مذهبی ارتباط و در این زمینه دغدغه و مطالعه دارند مصاحبه شده و از روش تحقیق پدیدارشناسی به عنوان راهنما و چراغ مسیر استفاده گشت. یافته‌ها باتوجه به سوال اصلی تحقیق (پیامدهای اجتماعی و فرهنگی فربه شدن شدن مناسک مذهبی «علی‌الخصوص مناسک عاشورایی» چیست؟) و سوالات فرعی تحقیق (علل و زمینه‌های فربه شدن مناسک مذهبی چیست؟) و (عوامل و زمینه‌های استقبال و پذیرش این فربهی توسط مردم چیست؟) ذیل سه بخش پیامدها، علل و زمینه‌های فربه شدن مناسک و علل و زمینه‌های استقبال مردم دسته بندی و بیان شد. در رابطه با ادراک مشارکت کنندگان از فربه شدن مناسک مذهبی و پیامدهایش به چهارگونه ادراک دست یافتیم:

الف) فربه شدن به معنای آسیب زا بودنش و پیامدهای صرفاً منفی برای آن شدند با بیشترین تعداد فراوانی.

ب) فربه شدن مناسک و در عین حال وجود پیامدهای مثبت و منفی برای آن شدند با میزان فراوانی کمتر از مورد قبل.

ج) فربه شدن به معنای توسعه و گسترش مناسک و بارشیدن پیامدهای مثبت و منفی بر آن بامیزان فراوانی کمتر نسبت به دو مورد قبل.

د) فربه شدن به معنای توسعه و گسترش و وجود پیامدهای صرفاً مثبت برای آن با کمترین میزان فراوانی.

پیامدهای فربهی مناسک مذهبی با استفاده از تکنیک کدگذاری محوری، ذیل دو عنوان کلی پیامدهای مثبت و منفی ثبت و تقسیم گردید و پیامدهای مثبت در سه مقوله‌ی انسجام اجتماعی، تجدیدحیات اجتماعی و افزایش حساسیت مومنانه نمود پیدا کرد. مضامین گسست اجتماعی، برهم خوردن توازن در ابعاد و مولفه‌های دینداری، تضعیف اصل مناسک، تضعیف گفتمان عقلانیت، ابزاری شدن مناسک، مداح محوری، در آخر کار ناوالی شدن مناسک، ذیل پیامدهای منفی با بیشترین تعداد فراوانی تبیین گردید.

سوال فرعی تحقیق هم که قبل از سوال اصلی به آن پاسخ داده شد، عوامل و زمینه‌های فربه شدن مناسک که ذیل سه عنوان و زمینه، زمینه‌های اجتماعی همچون تغییرات اجتماعی و بحران‌های اجتماعی و رسانه‌های جمعی با بیشترین تعداد فراوانی، علل و زمینه‌های سیاسی همچون حاکمیت سیاسی، دولت دهم با بیشترین تعداد فراوانی، و زمینه‌های فرهنگی همچون اقتضای ذات و طبیعت فرهنگ و ضعف‌ها و کمبودهای فرهنگی تبیین گردید.

باتوجه به آن چه در تحقیق طی کردیم و بدان رسیدیم فربه شدگی مناسک با پیامدهای منفی که به همراه دارد مورد نظر و ادراک غالب مشارکت کنندگان بود. و مشارکت کنندگان با بیشترین تعداد فراوانی روال فعلی توسعه مناسک مذهبی را آسیب‌زا و دارای پیامدهای منفی اشکار و پنهان می‌دانند.

فهرست منابع

۱. ابن منظور، لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۶۸، ج ۱۴.
۲. اسمیت، فلیپ، درآمدی بر نظریه فرهنگی، حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۳.
۳. الیاده، میرچا، اسطوره و آیین، ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: نشر اسطوره، ۱۳۸۸.
۴. بییتس، دانیل و پلاگ، فرد؛ انسان‌شناسی فرهنگی، محسن ثلاثی، تهران، علمی، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۵. بودلایی، حسن، روش تحقیق پدیدارشناسی، تهران: اندیشه احسان، ۱۳۹۸.
۶. ساروخانی، باقر، فرهنگ علوم اجتماعی، تهران، کیهان، ۱۳۸۰.
۷. حسام مظاهری، محسن، رسانه شیعه: جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیأت‌های مذهبی در ایران: با تأکید بر دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۹۰.
۸. خنیفر و مسلمی، حسین و ناهید، اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی، چاپ اول، تهران، نگاه دانش، ۱۳۹۵.
۹. دورکیم، امیل، صورابتدایی حیات دینی، باقرپرهام، نشر مرکز، ۱۳۸۳.
۱۰. رحمانی، جبار، تغییرات مناسک عزاداری محرم، انتشارات تیس، ۱۳۹۳.
۱۱. صدری افشار، غلامحسین، فرهنگنامه فارسی، نشر فرهنگ معاصر.
۱۲. فکوهی، ناصر، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۶.
۱۳. کوزر، لوئیس، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، محسن ثلاثی، انتشارات علمی، ۱۳۶۸.
۱۴. معین، محمد، فرهنگ معین، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۲.
۱۵. موس، مارسل، رساله پیشکش، لیلاردیلی. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۴.
۱۶. ابراهیم فیاض و جباررحمانی، مناسک عزاداری و گفتمان کربلا در دین ورزی اقشار فرودست شهری. تهران؛ نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۳۸۵، دوره ۲، شماره ۶.
۱۷. به نقل از رضا معممی مقدم مدیر تشکل‌های دینی و مراکز فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، خبرگزاری بین‌المللی قران، www.iqna.ir
۱۸. پروری، پیمان، خوانشی نواز پدیدارشناسی؛ بنیان‌های فلسفی، رویکردها و چارچوب اجرای تحقیق پدیدارشناسی، مطالعات جامعه‌شناسی، ش ۴۴.
۱۹. رهبری، لادن، گذر از ناقدهی به قدسی، مجله انسان‌شناسی، س نهم، ش ۱۵.

۲۰. فکوهی، ناصر، گفت و گو با ناصر فکوهی: نقش مناسک و آیین‌ها در تقویت باورهای ملی و معنوی، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، در <https://www.cgie.org.ir/fa/news>، پاییز ۱۳۹۳.
۲۱. کرمی پورو صالحی اردکانی، الله کرم و مصطفی، تحلیل و بررسی ماهیت و کارکرد این ازدیدگاه ویکتور ترنر، پژوهش‌های ادیبانی، ۱۳۹۴.

